

Discourse, Desire, Madness in Toni Morrison's *The Bluest Eye*

Erfan Rajabi¹

Article Info

Article type:

Research article

Article history:

Received: 4 April 2023

Accepted: 19 June 2023

Keywords:

Toni Morrison,
The Bluest Eye,
Fairclough,
Halliday,
subjectivity

ABSTRACT

The current study investigates the relation between discourse, desire, madness, subjectivity in Toni Morrison's *The Bluest Eye* (1970). With this in view, it opted for Critical Discourse Analysis and Systemic Functional Grammar as its theoretical and practical frameworks. Some of the key sections of the novel were selected and analyzed using the categories such transitivity, mood, modality, thematization and finite and lexical choices. The findings were tabulated and the most significant ones were interpreted. Next, the social practice of the novel was elaborated more and was connected with the findings of the textual analysis. Afterwards, the intertextuality, interdiscursivity and re-contextualization were discussed. The novel makes more sense when it is read against the socio-historical-cultural developments of the black community in American context. The research concludes that the cultural/racial models of reading the subjectivity in the novel run the risk of not providing a comprehensive image of the identity.

Cite this article: Rajabi, E. (2023). "Discourse, Desire, Madness in Toni Morrison's *The Bluest Eye*". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 45-68.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/jls.2023.62734

1. Assistant Professor, Department of English Language and Literature, Faculty of Language and Literature, University of Kurdistan, Sanandaj, Kurdistan, Iran
E-mail: e.rajabi@gmail.com

گفتمان، آرزو و دیوانگی در رمان آبی‌ترین چشم اثر تونی ماریسون

عرفان رجبی^۱

چکیده

اطلاعات مقاله

مطالعه حاضر در پی آن است که رابطه بین گفتمان، زبان، سوپزکتیویته را بررسی کند. بدین منظور، رمان آبی‌ترین چشم (۱۹۷۰) اثر تونی ماریسون، نویسنده آفریقایی-آمریکایی معاصر، انتخاب شد. برای حصول این هدف، تحلیل گفتمان انتقادی و دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی به‌عنوان چارچوب نظری و عملی پژوهش اتخاذ شد. روش تحلیل شامل انتخاب بخش‌های کلیدی رمان و تحلیل آنها به کمک مقولات دستور نظام‌مند نقش‌گرای مانند تحلیل فرآیندهای گذاری، وجه، عنصر خود ایستای فعل، وجه‌نما، مبتداسازی بود. سپس داده‌های در جداولی خلاصه و یافته‌های کلیدی تفسیر شدند. کردار اجتماعی رمان نیز مورد بحث قرار گرفته و ارتباط آن با یافته‌ای بدست آمده از تحلیل‌های قبلی بررسی شد. آنگاه ساخت رمان براساس بینامتنیت، بیناگفتمان و بافت‌گذاری مجدد نیز مورد توجه قرار گرفت. پژوهش‌های پیشین بر هویت مبتنی بر پارادایم فرهنگی و نژادی تمرکز کرده‌اند. این پژوهش با اتخاذ رویکرد گفتمانی نشان داد سوپزکتیویته امری پیچیده و چند-لایه است. ساخت رمان متشکل از کردارهای اجتماعی گوناگون، کردارهای گفتمانی و شگردهای متنی است. رمان در چارچوب افق تحولات تاریخی-اجتماعی-فرهنگی جامعه سیاهپوستان و جامعه آمریکا قابل فهم است و بر همین اساس هویتی تازه‌ای خارج از گفتمان‌های موجود را مطرح نکرده است.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۱۵ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۹ خرداد ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

تونی ماریسون،

آبی‌ترین چشم،

فر کلاف،

هالیدی،

سوپزکتیویته.

استناد: رجبی، عرفان (۱۴۰۲). «گفتمان، آرزو و دیوانگی در رمان آبی‌ترین چشم اثر تونی ماریسون». پژوهش‌های زبان‌شناسی:

نظریه و کاربرد، ۱ (۲)، ۶۸-۴۵.

ناشر: دانشگاه کردستان



حق مؤلف: نویسندگان

DOI: 10.22034/jls.2023.62734

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی و زبان‌شناسی، دانشکده زبان و ادبیات، دانشگاه کردستان، سنندج، کردستان، ایران

Email: e.rajabi@uok.ac.ir

۱. مقدمه

اولین رمان تونی ماریسون^۱ (۲۰۱۹-۱۹۳۱)، نویسنده آفریقایی-آمریکایی معاصر، با نام *آبی‌ترین چشم* (۱۹۷۰) به روایت زندگی کلودیا مکتایر^۲ و پکولا بریدلاف^۳، دو دختر خردسال از دو خانواده آفریقایی-آمریکایی می‌پردازد. کلودیا راوی رمان است و پکولا کسی است که سخت آرزوی داشتن یک جفت چشم آبی را دارد. برای تحلیل شکل‌گیری سوژکتیویته در رمان *آبی‌ترین چشم* از نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف^۴ و دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی^۵ استفاده خواهد شد تا انواع گفتمان‌های موجود و حوزه سوژکتیویته در عرصه رمان نشان داده شود. بدین منظور، پراکتیس‌های اجتماعی-فرهنگی حاضر در رمان (مرحله تبیین)، سپس پراکتیس گفتمانی رمان (مرحله تفسیر^۶) و سرانجام بخش‌هایی از رمان به کمک دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی تحلیل خواهد شد (مرحله توصیف^۷). اولویت انتخاب بخش‌هایی از رمان برای تحلیل بر اساس چگونگی مواجهه پکولا با دیگر شخصیت‌های رمان خواهد بود.

۲. پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

از زمان انتشارش در سال ۱۹۷۰، رمان *آبی‌ترین چشم* مورد بررسی نقادانه و تحلیلی محققان قرار گرفته است. نگاهی گذرا به پژوهش‌های انجام شده درباره رمان *آبی‌ترین چشم* نشان می‌دهد که موضوعاتی مانند نژاد، خشونت، قربانی‌شدن و خودآگاهی سیاه‌پوستان بیشتر مورد بررسی قرار گرفته است. گیسن (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با عنوان «متن و ضدمتن در رمان *آبی‌ترین چشم* اثر تونی ماریسون» می‌نویسد که «متن می‌گوید ما توسط ارزش‌های طبقه حاکم سرکوب می‌شویم. ضدمتن می‌گوید ما خود در سرکوب خودمان مشارکت می‌کنیم به طوری که واقعا بازوی سرکوب خواهیم شد» (گیسن، ۲۰۰۷: ۳۸). در مورد فرم و شکل رمان، دیمیترا^۸ در مقاله‌ای با

1 Toni Morrison

2 *The Bluest Eye*

3 Claudia MacTeer

4 Pecola Breedlove

5 Norman Fairclough's Critical Discourse Analysis

6 Halliday's Systemic Functional Linguistics

7 Explanation

8 Interpretation

9 Description

10 Gibson

11 Dittmar

عنوان «آیا دایره شکسته نشده خواهد ماند؟: سیاست شکل در رمان آبی‌ترین چشم» استدلال می‌کند که رمان آبی‌ترین چشم "درون همان ساختارهای قدرتی زیست می‌کند که زندگی ما را مهار می‌کند" (۲۰۰۷:۷۷). اسمیت^۱ می‌نویسد که «رمان آبی‌ترین چشم مطمئناً محصول خودآگاهی نژادی دهه ۱۹۶۰ است. اما رمان همچنین یادآور امتیازات و مسئولیتهایی است که مهاجران سیاه‌پوست در زمانیکه خود را با زندگی تازه در شمال (در اینجا، لورین، اوهایو) در دوران پس از جنگ سازگار کردند، مواجه شدند» (۲۰۱۰:۱۹). ایتون^۲ معتقد است در رمان آبی‌ترین چشم «پکولا همانند سایر دختران هیچ عاملیتی ندارد» (۲۰۱۳: ۵۴). به باور بیورز^۳ نژاد، جنسیت و طبقه با هم همدست می‌شوند تا بر نقش محوری برتری سفیدپوستان و پدرسالاری در تجاوز به پکولا تأکید نموده و چگونه در تقویت تصمیم چالی^۴ (پدر پکولا) برای مشارکت در این تجاوز ایفای نقش می‌کنند» (۲۰۱۸: ۱۹). به‌طور مشخص در مورد رابطه بین زبان رمان و گفتمان‌های موجود در آن و چگونگی موقعیت‌مندی سوژه‌ها در درون گفتمان‌ها پژوهشی انجام نشده است. این مقاله در پی آن است تا با تحلیل گزینش‌های زبانی متن رمان و حرکت به سوی سطوح انتزاعی‌تر، به آشکارسازی انواع گفتمان‌ها و فورم‌اسیون‌های ایدئولوژیک، تکرار رخداد و میزان نفوذ آنها پردازد.

۳. شیوه انجام پژوهش: تحلیل گفتمان انتقادی، دستور نقش‌گرایی نظام‌مند

پژوهش حاضر پژوهشی توصیفی-تحلیلی است. برای انجام تحلیل نظام‌مند نقش‌گرایانه رمان، بخش‌هایی از آغاز، میانه و پایان رمان انتخاب شدند. این بخش‌های کلیدی شامل نقطه آغاز رمان است که جهان داستانی رمان را معرفی می‌کند. در میانه رمان، شخصیت اصلی رمان با شخصیت‌های دیگر مواجه خواهد شد و ابعاد دیگری از وجود شخصیت اصلی و سایر شخصیت‌ها آشکار می‌شود. بخش پایانی رمان به تأمل بیشتر در دنیای شخصیت اصلی رمان یعنی پکولا که یگه و تنها در تمنای چشمان آبی است، می‌پردازد. سپس این بخش‌ها در سه سطح یعنی

1Smith

2Eaton

3Beavers

4Cholly

سطوح نقش تجربی^۱ (تحلیل تعدی)، نقش بینافردی^۲ (تحلیل وجه)، نهاد^۳ و عنصر خودایستای فعل^۴ و نقش متنی^۵ (مبتداسازی^۶ و گزینش‌های واژگانی^۷) تجزیه و تحلیل خواهد شد. در هر بخش؛ مؤلفه‌های کلان و خرد متن از گزینش‌های واژگانی گرفته تا فرآیندهای تعدی و بینافردی و متنی بررسی و نقش گفتمانی و ایدئولوژیک آن‌ها در دنیای رمان تحلیل خواهد شد و ارتباط بین زبان متن و گفتمان‌ها و کردار اجتماعی رمان مشخص خواهد شد. به عبارت دیگر، این پژوهش به جای رویکرد از بالا به پایین، از امکانات زبانی متن آغاز می‌کند و چگونگی موقعیت‌مندی سوژه را در درون گفتمانها مد نظر قرار می‌دهد. داده‌های گردآوری شده بر اساس توزیع تکرار درج‌اولی ارائه خواهد شد. بررسی توزیع تکرار گرایش متن را به لحاظ گفتمان‌ها و برساخت سوژه کتیوبته نشان خواهد داد.

۴. کتاب درسی مقدماتی خانواده دیک و جین

رمان آبی‌ترین چشم با بخشی از کتاب مقدماتی خانواده دیک و جین گشوده می‌شود. این کتاب مقدماتی که در مدارس آمریکا تدریس می‌شود وعده یک خانه و خانواده آرمانی را به همه آمریکاییان می‌دهد. بخشی از این متن در زیر آورده می‌شود:

«اینجا یک خانه است. سبز و سفید است. در آن قرمز است. این خانه بسیار زیباست. اینجا یک خانواده وجود دارد. مادر، پدر، دیک و جین در این خانه‌ی سبز و سفید زندگی می‌کنند. آن‌ها خوشحال و خوشبخت هستند» (ماریسون، ۱۹۷۰: ۷).

1Experiential Function
 2Transitivity
 3Interpersonal function
 4Mood
 5Subject
 6Finite
 7Textual function
 8Thematization
 9Lexical Choices

جدول ۱. بسامد توزیع فرآیندها

مشارکین ^۳	P _i ^۲	F _i	فرآیندها ^۱
اینجا (x x)، (x x x) آن (آنها، او، مادر	۶۴٪	۹	رابطه‌ای ^۴
مادر، پدر، دیک، جین، او، آن،	۲۱٪	۳	مادی ^۵
مادر پدر،	۱۴٪	۲	رفتاری ^۶
	۱۰۰٪	۱۴	مجموع

بیشتر متن از فرآیندهای رابطه‌ای (۶۴٪) تشکیل شده است که خانه و خانواده را به‌عنوان حامل^۷ دارای ویژه‌گی‌های^۸ مانند رنگ (سبز و سفید)، پیرامون^۹ (خانه) و کیفیت^{۱۰} (خوشحال، زیبا، قشنگ، بزرگ و قوی). فرآیندهای رابطه‌ای دلالت بر «موقعیت ثابت»، «مالکیت ثابت» و «کیفیت ثابت» دارد (Halliday, 2004:212). به نظر هالیدی (۲۰۰۴: ۲۱۴) فرآیند رابطه‌ای بیشتر در حوزه علم، مدیریت، تجارت و قانون کاربرد دارد چون بین مشارکین رابطه ایجاد می‌کند.

همان‌طور که گفته شد، کتاب مقدماتی دیک و جین در مدارس آمریکا در دهه ۱۹۷۰ همچون یک متن علمی، عینی و غیرایدئولوژیک به دانش‌آموزان تدریس شده است. دو فرآیند رفتاری موجود در متن، مادر و پدر خانواده را خندان و خوشحال نشان می‌دهند. فرآیندهای مادی ۲۱٪ متن را می‌سازند و «مادر، پدر، دیک و جین» را به‌عنوان کسانی که در «خانه سبز و سفید زندگی می‌کنند» نشان می‌دهند. کنش‌گران^{۱۱} همچون مالکان موقعیت (مکان و فضا) یعنی همان خانه سبز و سفید بازنمایی می‌شوند. در بخش‌های بعدی رمان، خانواده‌ی

1Processes

2 Fi = بسامد مطلق ; Pi = درصد فراوانی

3Participants

4Relational

5Material

6Behavioral

7Carrier

8Attributes

9Circumstance

10Quality

11Actors

بریدلاو^۱ و مردمانی بدون خانه^۲ (Morrison, 1970: 17) نشان داده می‌شوند.

۴-۱-۱ نقش بینافردی: تحلیل وجه

چنانچه انتظار می‌رود بخش اعظم متن کتاب دیک و جین متشکل از بندهای خبری است (۶۵٪). که به نظر هالیدی «عموماً برای تبادل اطلاعات» استفاده می‌شود (۲۰۰۴:۱۱۴). شمار بالای بندهای خبری باعث می‌شود تا مشارکین و دنیای آنان همچون یک عالم گفتمانی پایدار و لامتغیر بر ساخته شود که باید دست‌نخورده باقی بماند. این متن در مقام یک متن آموزشی دربرگیرنده تعدادی بندهای امری است (۳۰٪) که یادگیرنده را به تماشای این خانواده، خانه‌اشان و ساکنان آن دعوت می‌کند. عناصر خودایستای^۳ متن، همگی زمان حال ساده هستند که دلالت بر اعمال «جهان شمول و فراگیر» دارند (Lock, 1996:152).

فقدان بندهای پرسشی در متن دیک و جین نشان‌دهنده عدم ابهام در مورد این خانواده و زندگی‌شان است. استفاده‌ی فراگیر متن از عبارات غیرمقید مانند «اینجا یک خانه وجود دارد»؛ «آنان خیلی خوشحال‌اند» (Morrison, 1970) و تمایل متن به استفاده از ادات ربط افزایشی^۴ به جای ادات ربط تناقضی^۵ یا سببی^۶ برای بسط خودش به صورت خطی و مستقیم و بدون وابستگی به روابط علی (Simpson, 1993:62)، انتخاب عینی‌ترین زاویه دید (کانونی‌سازی خارجی^۷ ژنت) و انتخاب زاویه دید اشاره‌ای-مکانی-زمانی با تحقق زبانی آن در گزینش واژه، اینجا، همه و همه برای آن است تا ثابت شود که آنچه در متن دیک و جین آمده است حقیقت مطلق است و بیانگر برتری قدرت هژمونیک سفیدپوستان و بازتولید آن از راه القای ارزش‌های آمریکایی در اذهان دانش‌آموزان است.

۴-۱-۱-۱ خانواده بریدلاو

در راستای هژمونی گفتمان سفیدپوستان و معیارهای زیبایی، راوی رمان می‌گوید: «خانواده

1 The Breed loves

2 'Outdoors' People

3 Declarative clauses

4 Imperative clauses

5 Finites

6 Additive

7 Adversative

8 Causal

9 Genette's External focalization

بریدلاو (کنش‌گر) در یکی از اتاق‌های فروشگاه (موقعیت: مکان) زندگی می‌کردند (فرآیند مادی) نه به خاطر اینکه موقتاً با شرایط سخت و درآمد (علت) کم بسازند، آنان (کنشگر) در آنجا زندگی می‌کردند (فرآیند مادی) چون آنان (حامل) فقیر و سیاه‌پوست (ویژگی) بودند (فرآیند رابطه‌ای)، و آنان (کنشگر) در همانجا (موقعیت: مکان) ماندند چون آنان (مُدِرِک) فکر می‌کردند (فرآیند ذهنی) زشت (پدیده)^۴ هستند» (Morrison, 1970:38). تقابل محل زندگی خانواده بریدلاو با خانه سبز و سفید دیک و جین در کتاب مقدماتی مدارس آمریکا در دهه ۱۹۷۰ چیزی جز ننگاشت نقیضه‌پردازانه گفتمان بهشت آمریکا و ارزش‌های آمریکایی که برای کودکان بازنمایی می‌شود نیست.

بر اساس تحلیل فرآیندهای تعدی، خانواده بریدلاو به‌عنوان کنش‌گران سه فرآیند مادی بازنمایی می‌شوند، اما این فرآیندهای مادی مانند «زندگی کردن» و «ماندن» بیشتر بیانگر فرآیندهای رخداد هستند تا عمل.^۵ به عبارت دیگر، معنای این فرآیندهای مادی با افزودن ادات وجه‌نمای موقعیتی و پیرامونی (مانند گروه اسمی، قیدی، حروف اضافه‌ای) کامل می‌شود نه با افزودن اداتی که نشان‌دهنده کنش‌گری آنان باشد. آنان کنش‌پذیرند. آن‌ها به‌عنوان حاملان فقر و زشتی بازنمایی می‌شوند. در مقام مُدِرِک فرآیند ذهنی «باور کردن»، آنان خود را «زشت» تصور می‌کنند. اما در مقابل، سفید بودن همچون امری جهان‌شمول و انسانی جلوه داده می‌شود و به گفته دایر^۶ (۱۹۹۷) «اگر سفیدپوشت انسان است، هر چیز دیگری ناهنجاری است» (Clarke and Garner, 2010:39).

۴-۱-۱-۱-۱ گزینش‌های واژگانی

تکرار دو فعل «زندگی کردن (۲ بار)» و «ماندن (۱ بار)» وجود مکانی و اجتماعی خانواده بریدلاو را برجسته می‌نماید البته همراه با یک طنز گزنده. این دو فعل به لحاظ معنایی متضاد هستند، چون اولی دلالت بر اقامت دائم دارد و دومی بر اقامت موقت. به عبارتی، محل زندگی بریدلاوها هم

1sensor

2mental process

3phenomenon

4event

5action

6Dyer

خانه است و هم خانه نیست. شاید تقابل بین این دو فعل دلالت بر فضای نامعینی دارد که بریدلاوها در آن زندگی می‌کنند. شاید اگر تعبیرات کیت و پایل را به کار ببریم آنان در «فضای آستانه‌ای، فضای سوم، هیچ-فضا» (۱) زندگی می‌کنند. به گفته پرنس، محل زندگی خانواده بریدلاو به مسائل بزرگتری همچون «مصرف گرایی، استعمار و پدرسالاری» اشاره می‌کند (۲۰۰۵: ۸۵).

در متن زیر، راوی بر موضوع زشت بودن در میان خانواده بریدلاو می‌پردازد. تحلیل این متن نشان می‌دهد که گفتمان‌هایی در متن مورد استفاده قرار گرفته‌اند و خانواده بریدلاو چگونه خود را در این گفتمان‌ها جانمایی می‌کنند.

جدول ۲. توزیع بسامد فرایندها

مشارکین	Pi	Fi	فرآیندها
بریدلاوها (۹، ارباب) ۱ (، شما 1)	۵۲,۴٪	۱۱	مادی
آنان (بریدلاوها) ۲ (، شما ۱)	۱۴,۳٪	۳	ذهنی
شما ۲ (، آنان ۱)	۱۴,۳٪	۳	رفتاری
آنان ۱ (، آن ۱)	۹,۵٪	۲	رابطه‌ای
آنان ۱ (، ارباب ۱)	۹,۵٪	۲	کلامی
	۱۰۰٪	۲۱	مجموع

جدول نشان‌دهنده تعداد بالای فرآیند مادی است که در آن‌ها فقط سه مشارک وجود دارند: بریدلاوها، ارباب (آقا) و خواننده به عنوان ناظر. ارباب «ردای زشتی را به آنان می‌دهد تا بپوشند» و آنان هم «بدون چون و چرا» می‌پذیرند (Morrison, 1970: 39). هدف یا کنش‌پذیری^۳ همه فرآیندهای مادی «زشت بودن» است که از طرف ارباب به آنان به صورت یک طرفه انتقال داده می‌شود. بریدلاوها در فرآیندهای ذهنی هم درگیر می‌شوند. دو فرآیند ذهنی از طریق فعل «دیدن» تحقق می‌یابند و بر این امر دلالت دارد که بریدلاوها در همه جا-روی بیلوردها، فیلم‌ها و نگاه‌ها-تصویر زشت بودن خود را می‌بینند. راوی رمان با استفاده از ضمیر، شما، خواننده را هم

1 Keith and Pile

2 Prince

3 Goal

دعوت می‌کنند تا زشت بودن بریدلاوها را تصدیق نماید. راوی می‌گوید که «شما فهمیدید که آن (زشت بودن بریدلاوها) از یک باور می‌آمد» (Morrison, 1970:39). مدرکان فرآیند ذهنی «فهمیدن»، بریدلاوها و خواننده هستند و هر دو ایده زشت بودن بریدلاوها را قبول کرده‌اند. دو فرآیند کلامی وجود دارد که در واقع گفتگویی است بین ارباب و بریدلاوها:

ارباب: شما مردم زشت‌روی هستید.

«بله» جواب دادند، «درسته».

هم گفته‌اند در فرآیند کلامی و هم پدیده‌اند فرآیند ذهنی بر مدار زشت‌روی بودن، زشت‌روی بودن بریدلاوها، نگاه ارباب و جایگاه فرودستی بریدلاوها می‌چرخد. کریستین آیان می‌داند که در رمان آبی‌ترین چشم درون‌مایه اصلی همان آثار مخرب معیارهای غربی زیبایی و عشق رمانتیک بر زنان سیاه‌پوست در لورین در اوهایو و همچنین درک جامعه سیاهان از ارزش خود می‌باشد (۵۲). دومشارک در دو فرآیند رفتاری موجود در این قسمت بریدلاوها و خواننده هستند که هر دو در فرآیند «نگاه کردن به اطراف» (حضور گفتمان برتر زیبایی سفیدپوستان) مشارکت دارند تا ببینند که آن‌ها زشت‌روی هستند. فرآیندهای رابطه‌ای هم با موضوع زشت‌روی سروکار دارند. یکی از این فرآیندها زشت‌روی را با ضمیر اشاره «آن» به مثابه یک ویژه‌گی بازمی‌نماید که «به بریدلاوها (حاملان) تعلق ندارد» بلکه همچون لباسی است که بر تن افراد پوشانده می‌شود. به عبارت دیگر، زیبایی یا زشت‌روی یک امر ذاتی نیست بلکه از راه گفتمان بر ساخته می‌شود. بنابراین زشتی «امر ایدئولوژیک است نه هستی‌شناسانه، همان‌طور که استعاره‌ی لباس نشان داد؛ و به تعبیر فانون چیزی که از میان هزاران حکایت و داستان و جزییات تولید و 'پوشیده' می‌شود» (Plasa, 2000: 107-108). در فرآیند رابطه‌ای دیگر، بریدلاوها همچون حامل زشتی بر ساخته می‌شوند. بریدلاوها (۱۴ بار)، ارباب (۲ بار) و خواننده (۴ بار) به عنوان مشارکین در فرآیندهای مادی، ذهنی، رابطه‌ای و کلامی بازنمایی می‌شوند. بریدلاوها، ارباب و خواننده یک مثلث را تشکیل می‌دهند که رابطه میان ارباب و بریدلاوها کلامی است (گفتار و خطاب) و خواننده و بریدلاوها هم در فرآیند رفتاری نگاه کردن مشارکت دارند؛ یعنی، تنها به اطراف نگاه

1verbiage

2Phenomenon

3Barbara Christian

کنند و زیبایی سفیدپوستان را ببینند. اشاره به یک ارباب دانای مطلق که بریدلاوها را مورد خطاب قرار می‌دهد ما را به یاد «استیضاح» آلتوسری می‌اندازد. پین و باربارا می‌گویند که «اشخاص از راه ایدئولوژی جاری در آپاراتوس‌های ایدئولوژیک دولتی (برای نمونه، خانواده و مدارس) و از طریق سازوکار استیضاح فردیت و هویت اجتماعی پیدا می‌کنند» (۲۵). ارباب دانای مطلق به باور نگارنده همان گفتمان است که خانواده‌ی بریدلاو را به لحاظ هویتی تعریف، توصیف و سرانجام همچون موجودی زشت‌رو متعین می‌کند.

جدول ۳. روابط منطقی-معنایی

۲	بیان ^۳	فراافکنی معنایی ^۲
۲	نظر ^۴	
۴		کل: فراافکنی معنایی
۱	گسترش بیانی-بدلی ^۶	گسترش ^۵
۶	گسترش جایگزینی-افزایشی ^۷	
۰	بسطی (علی، زمانی، سببی...) ^۸	
۷		کل: گسترش

رابطه منطقی-معنایی غالب در متن از نوع رابطه گسترشی همپایه^۹ و تحقق زبانی از راه «و»^۱ است و عملکرد اصلی آن افزایش اطلاعات به گزاره‌های پیشین است. بسامد پایین روابط ناهمپایه دلالت بر آن دارد که زبان متن فاقد هرگونه قید و شرط، احتجاج و یا مصالحه است. بعلاوه، روابط بسطی زمانی، مکانی و شرطی و غیره نیز بسیار کم‌رنگ است. انقیاد بریدلاوها توسط

1 Interpellation

2 Projection

3 Locution

4 Idea

5 Expansion

6 Elaboration

7 Extension

8 Enhancement

9 Paratactic extending relation

10 and'

11 hypotactic relations

گفتمان مسلط قابل مذاکره و مصالحه نیست.

۵. پکولا همچون یک «مورد مطالعه»

راوی رمان برای اولین بار از «مورد» یک دختر بنام پکولا باخبر می‌شود (Morrison, 1970:18). اشاره به پکولا همچون یک «مورد» بر ساخت او درون گفتمان‌های روان‌شناسی، اقتصاد، علوم پزشکی و جامعه‌شناسی است. تعیین پکولا توسط گفتمانهای مسلط باعث می‌شود تا او فردیت خود را از دست دهد. در واقع، او ابژه «گفتمان‌های قدرت» است که «نگرش و هویت» افراد را شکل می‌بخشد (Tonkiss, 1998:247). اطلاق عنوان «مورد» بر پکولا «یک عمل است، یک اقدام است، یعنی، گفته و عمل در پراکتیس گفتمانی گردهم می‌آیند» (Youdell, 2006:75-6). کلودیا نتیجه می‌گیرد چون چالی خانه را آتش زده بود خانواده بریدلاو «بی‌خانمان بودند» (Morrison, 1970:18). به عبارت دیگر، هویت، فضای اجتماعی، مکان جغرافیایی و طرد همه یکجا باعث تبدیل «مورد» پکولا به سائیتی برای نوشتن گفتمان‌های مختلف شده است. بررسی الگوی گذرایی نشان می‌دهد که دولت به عنوان عامل قدرتمند و پکولا به عنوان کنش‌پذیر بر ساخته می‌شوند. عاقبت خانواده بریدلاو «بی‌خانمانی»^۱ است. این وضعیت از راه فرآیند رابطه‌ای موقعیتی-ویژگی است که آن‌ها را خارج از خانه توصیف می‌کند. در اینجا، ویژگی اصلی مسئله کیفیت مکانی است که امری اجتماعی و گفتمانی است. ادوارد سوجا می‌نویسد که «ما باید همیشه آگاه باشیم که چگونه مناسبات قدرت و تأدیب و تنبیه بر فضا مندی به ظاهر غیرایدئولوژیک نوشته می‌شود، که چگونه جغرافیای انسانی مملو از سیاست و ایدئولوژی می‌شود».

بررسی روابط منطقی-معنایی متن نشان می‌دهد که پکولا به لحاظ زبانی در بند بتا^۲ که قبل از بند درونه‌ای^۴ قرار گرفته، بازنمایی می‌شود. رابطه بین پکولا و مقامات در روابط منطقی-معنایی ناهمپایه بازنمایی می‌شود که نشان‌دهنده آن چیزی است که کیت و پایل «هندسه سلطه» می‌نامند. از سوی دیگر، رابطه بین پکولا و خانواده‌اش در روابط همپایه بازنمایی می‌شود تا

1Transitivity

2Outdoors

3beta clause

4Embedded

موقعیت برابر آن‌ها را نشان دهد.

جدول ۴. روابط منطقی-معنایی

///ماما دو روز قبل به ما گفته بود، [که یک «مورد» می‌آید-] یک دختر که هیچ جایی برای رفتن نداشت]///	
β موقعیت: حرف اضافه	α
بند درونه‌ای به عنوان توصیف گرسینی ^۱	
α دولت او را برای چند روزی در خانه ما گذاشت	
1 β تا بتواند تصمیم بگیرند چکار کنند	
α +2 یا دقیق‌تر	
β تا خانواده او دوباره کنار هم گردآیند	
/// قرار شد با او مهربان باشیم- و دعوایش نکنیم. ///	
+2 1	
1 ماما نمی‌دانست «چه مشکلی برای آن‌ها پیش آمده»	
2 +اما اون بریدلاو سگک پیر خانه خودش را آتش زده بود، و زنش را کتک زده بود،	
3 +و در نتیجه همه بی‌خانمان شدند.	

کلودیا سیاهپوستان را «اقلیتی کاستی و طبقاتی» می‌نامد که بر پیشانی آنان در زمان و مکان خاصی گفتمان‌های مختلف حک شده است. او می‌افزاید: «چون یک اقلیت کاستی و طبقاتی بودیم (موقعیت^۱)، ما (کنش‌گر) به‌رحال (امتیازی^۲) در حاشیه زندگی (موقعیت) به هر طرف (دامنه^۳) بچرخیم (فرآیند مادی)، ... زندگی حاشیه‌نشینی ما (نشانه^۴)، اما، چیزی بود (فرآیند رابطه‌ای) که یاد گرفته بودیم با آن کنار بیاییم (ارزش^۵)- شاید چون (موقعیت: علی^۶) آن (حامل) انتزاعی (ویژگی) بود (فرآیند رابطه‌ای)». (Morrison, 1970: 17).

1. post-modifier

2. location

3. concession

4. range

5. Token

6. value

7. Circumstance: cause

کلودیا زندگی سیاهان را در فرآیند شناسایی رابطه‌ای^۱ کدگذاری می‌کند تا هستی‌شان را همچون «بودن» در زمان و مکان نشان دهد. گزینش زبانی «زندگی حاشیه‌نشینی ما» آنچه را ون لیون^۲ متعین متکثر^۳ ارزش‌دهی^۴؛ هویت‌دهی نسبتی^۵ مکان‌مداری^۶ و مجهول‌سازی^۷ را متحقق می‌سازد. «زندگی حاشیه‌نشینی ما» مکان زندگی سیاهپوستان را برجسته در درون گفتمانهای مالکیت، سرمایه‌داری، تحرک اجتماعی و منزلت اجتماعی می‌سازد.

۵-۱ گزینش‌های عنصر خودایستای فعل^۸

استفاده از ضمیر «ما» برای اشاره به فاعل گروهی و همه‌شمول برای بازنمایی تجربه جمعی سوژه‌های سیاه‌پوست که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی مغلوب شده‌اند. مهمتر آنکه، فرآیند اسم‌سازی^۹ یعنی تبدیل فرایند «زیستن» به اسم «زیست» و توصیف پسینی آن به کمک صفت «حاشیه‌ای» مسئله هستی به حاشیه رانده‌شده آنها را فارغ از عامل و آغازگر این حاشیه‌سازی برجسته می‌سازد.

۵-۲ مبتداسازی^{۱۰}

شروع متن با «بودن یک اقلیت کاستی و طبقاتی» به‌عنوان مبتدای نشان‌دار دلالت بر اهمیت موقعیت مکانی و فضا برای گروه‌های اقلیت و از جمله سیاه‌پوستان است چون «فضا پر از ایده‌های غیریت است». همانطور مانزو^{۱۱} نتیجه می‌گیرد «اینکه ما که هستیم و خود را در کجا می‌یابیم، مسائلی ذاتاً سیاسی هستند» (Benwell and Stokoe, 2006: 213-4). حس تعلق به یک مکان، به گفته کلودیا، همیشه با مالکیت و اموال گره خورده است. فاک می‌نویسد: «برای آفریقا-آمریکای‌ها مکان معنی خاصی دارد». فاک^{۱۲} می‌افزاید ما از طریق خانه، اموال و زمین، «چیزی

1 Relational identifying process

2 Van Leeuwen

3 overdetermination

4 appraisalment

5 Relational Identification

6 spatialization

7 Passivation

8 The Finite Choices

9 Nominalization

10 Thematization

11 Otherness

12 Manzo

13 Falk

به نام هویت، حس تعلف به یک کل بزرگتر را به دست می‌آوریم» (همان، ۱۷۷). متن از یک واقعیت (دانش) آغاز می‌شود و بعد به افراد (کنشگران اجتماعی و تعیین سوژه‌ها) و ابژه‌ها (اموال) ختم می‌شود. به طور خلاصه، متن با موضوعاتی مانند سوپژکتیویته و گفتمان‌های اقتصادی (مالکیت، اموال)، نژاد، فضا/هویت، موقعیت اجتماعی/فرهنگی اقلیت سیاه‌پوستان، توزیع امتیازات اجتماعی، آزادی و حس تعلق سروکار دارد.

۶. مواجههٔ پکولا با یاکوبوسکی

یکی از بخش‌های مهم رمان آبی‌ترین چشم به دیدار بین پکولا و آقای یاکوبوسکی، مغازه‌دار می‌پردازد. پکولا برای خرید آب‌نبات پیش او می‌رود. جدول زیر نشان می‌دهد چگونه مشارکین به لحاظ زبانی بازنمایی می‌شوند و چه گفتمان‌هایی مطرح می‌شوند.

جدول ۵. بسامد توزیع فرایندها

مشارکین	p_i	F_i	فرآیند
او (پکولا) (۲) × (یاکوبوسکی، کله) (۱) he (چشمان یاکوبوسکی، (۲) ×	۲۳%	۶	مادی
او (پکولا) (۴) × (یاکوبوسکی، (۴) ×	۷۵.۳%	۸	ذهنی
او (پکولا) (۱)، (یاکوبوسکی) او (۱)	۷%	۲	رفتاری
سیاهی × (۲) چیزهایی در او (۱)، تنفر، (۳) ×، این، خلاصاً (۱)، آن (۱) او (پکولا) (۱) (یاکوبوسکی) او (۱)	۳۴%	۹	رابطه‌ای
هیچی در زندگی	۸۵.۳%	۲	کلامی
	۱۰۰%	۲۶	مجموع

همان‌طور که از جدول فرآیندها پیداست مکالمهٔ بین پکولا و یاکوبوسکی در یک سیر نزولی دارای فرآیندهای رابطه‌ای (۳۴٪)، ذهنی (۳۰،۷۵٪)، مادی (۲۳٪) و کلامی (۳،۸۵٪) است. بسامد بالای فرآیندهای رابطه‌ای و بسامد پایین فرآیندهای کلامی در یک جایی که انتظار می‌رود فرآیندهای کلامی غالب باشند (Fairclough, 2003:72) تعجب‌برانگیز است. در اینجا فرآیند کلامی تقریباً نزدیک به صفر است. پکولا و یاکوبوسکی وارد گفتگویی نمی‌شوند. تنها فرآیند کلامی متن به زندگی یاکوبوسکی مربوط می‌شود. بسامد بالای فرآیندهای رابطه‌ای

دلالت بر آن دارد که فعالیت اجتماعی خرید و فروش به طور طنز آمیزی تحت الشعاع کیفیات و ویژه‌گی‌های ثابت و روابط وصفی بین پکولا و یاکوبوسکی قرار گرفته است. به تعبیر هابرماسی، تعامل بین پکولا و یاکوبوسکی بسیار راهبردی است و به طرز مؤثری در جهت تولید نتایج مورد نظر حرکت می‌کند. (Fairclough, 2003: 71).

تحقق فرآیندهای ذهنی از طریق گروه‌های فعلی مانند دیدن (۵ بار)، دانستن (۱ بار)، حس کردن (۱ بار)، تردید کردن (۱ بار) تأکیدی است بر غلبه فرآیندهای ادراک، شناخت و عواطف بر تعامل بین مشتری و فروشنده. صرف تکرار فعل دیدن به عنوان یک فعل ادراکی حکایت از آن دارد که تبادل نگاه خیره‌انگای هر چیز دیگری را گرفته است. در واقع، فعل دیدن بیشتری از هر فعل دیگری در این تعامل تکرار شده است (۵ بار، ۱۹،۲۵٪). استیلائی فعل دیدن بر متن تصادفی نیست؛ بلکه تحقق زبان‌شناختی گفتمان رنگ پوست (مرئی در مقابل نامرئی)، نگاه خیره، هویت‌های نژادی و فرهنگی (زشتی در مقابل زیبایی؛ سیاه در مقابل سفید) است.

پکولا سه بار به عنوان مُدرک فعل دیدن (فعل دیدن پنج بار تکرار شده) بازنمایی می‌شود. آنچه پکولا در مقام مُدرک فعل دیدن می‌بیند عبارتند از خلأ^۲، تنفر^۳، کنجکاوی^۴ در چشمان^۵ مغازه‌دار سفیدپوست. در مقابل، یاکوبوسکی هیچ چیزی نمی‌بیند. پدیدهٔ عمل ادراکی ذهنی یاکوبوسکی «او» (پکولا) یعنی «یک دختر کوچک سیاه‌پوست» است. برخلاف پکولا که بر چشمان یک مغازه‌دار سفیدپوست تمرکز کرده، یاکوبوسکی اصلاً دختر کوچولوی سیاه‌پوست را نمی‌بیند. پکولا به خاطر فقیر بودن، سیاه بودن و دختر بودن در معرض انقیاد^۶ سه‌گانه قرار می‌گیرد. تعامل بین پکولا و یاکوبوسکی فرصتی برای به منصهٔ ظهور رساندن روابط متفاوت در سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، و زبانی است.

فرآیندهای رابطه‌ای تشکیل‌دهندهٔ ۳۴٪ کل فرآیندهای موجود در متن است (بالاترین بسامد). فرآیندهای رابطه‌ای عمدتاً با سیاه‌بودن، چیزهای در او (پکولا)، تنفر، خلأ، او (پکولا) و

1See

2Gaze

3vacuum

4disgust

5curiosity

6eyes

7Phenomenon

8Subordination

او (یا کوبوسکی) سروکار دارد. تکرار سیاه‌بودن (۲ بار)، تنفر (۲ بار)، خلأ (۲ بار) در متن نگهدارنده رابطه‌ای است که عمدتاً استوار بر مفهوم سیاه‌بودن است که باعث ایجاد تنفر در چشمان سفیدپوستان نسبت به سیاه‌پوستان می‌شود. این تنفر موجد خلأ می‌شود. به عبارت دیگر، بر روی طیف گفتمان برتری سفیدپوستان و هژمونی این گفتمان، جایی برای بازنمایی سیاه‌پوستان باقی نخواهد ماند. به عبارت دقیق‌تر، یا کوبوسکی به عنوان یک سوژه برساخته در درون گفتمان برتر هر آنچه را گفتمان می‌بیند او هم می‌بیند. به همین دلیل، او دختر کوچک سیاه‌پوست را نمی‌بیند چون در گفتمان برتر او به عنوان هیچ-چیز تعریف شده است. به باور جی^۱ گاهی بهتر است بگوییم که این افراد نیستند که صحبت و عمل می‌کنند، بلکه گفتمان‌های تاریخی و اجتماعی هستند که از طریق افراد با هم حرف می‌زنند. افراد هر بار که با هم گفتگو می‌کنند گفتمان‌ها را تجسد می‌بخشند. (Gee, 2008: 162).

۶-۱ نقش بینافردی^۲

تحقق زبانی سوژه از شخصیت‌بخشی^۳ آقای یا کوبوسکی (استفاده از ضمیر شخصی) آغاز و به شخصیت‌زدایی^۴ (اشاره به بدن او) او ختم می‌شود. برساخت زبانی آقای یا کوبوسکی باعث ایجاد فاصله و حس بیگانگی می‌شود. به طور اساسی‌تر، ارجاع به سر و چشمان آقای یا کوبوسکی به گونه‌ای مجازی به الزامات نژادی معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه اشاره دارد که او را از شخص بودن تهی می‌کند. غلبه مقوله شخصیت‌زدایی بر متن حاکی از آنست که هرگونه ارتباط انسانی بین آقای یا کوبوسکی و یک دختر کوچک سیاه‌پوست تقریباً از بین رفته چون به تعبیر ویدن^۵ «کارکرد گفتمان‌ها نیازمند فعال‌سازی آن‌ها از راه عاملیت افرادی است که توسط خود همان گفتمانها به شیوه‌های خاص به عنوان سوژه‌های متجسد برساخته و هدایت می‌شوند. برساخت گفتمانی سوپرتکتیویته بدن، ذهن و عواطف سوژه‌ها را هدف گرفته و شکل می‌دهد» (1997: 109).

دو کارگزار اجتماعی حاضر در جریان داد و ستد یعنی یا کوبوسکی و پکولا به صورت متمایز

1 Gee

2 Interpersonal Function

3 personalization

4 impersonalization

5 Weedon

بازنمایی می‌شوند. یکی از کارگزاران اجتماعی آقای یا کوبوسکی خوانده می‌شود. در حالی که، دیگری او و یادختر کوچک سیاه‌پوست نامیده می‌شود. این تمایز در بازنمایی در تحلیل گفتمان انتقادی بسیار راهبردی است. همچنین، ونلیون بیان می‌دارد که «کارگزاران اجتماعی را می‌توان برحسب هویت منحصر به فردشان با نامیدن آن‌ها بازنمایی کرد، یا بر اساس هویت‌ها و عملکرد مشترکانش با دیگران (دسته‌بندی) بازنمایی می‌شود». مهم است بدانیم در یک گفتمان مشخص چه کسانی نامیده می‌شوند و چه کسانی دسته‌بندی می‌شوند" (2008:40). مغازه‌دار سفیدپوست آقای یا کوبوسکی همچون یک فرد نامیده می‌شود در حالیکه پکولا صرفاً یک دختر کوچولوی سیاه‌پوست دسته‌بندی می‌شود. این تبعیض در بازنمایی به مناسبات قدرت در یک جامعه برمی‌گردد که اشکال گوناگونی به خود می‌گیرد و همچنین با مناسبات طبقاتی، جنسیتی، دینی و سن و سال هم مرتبط می‌شود (Weedon, 1997:107).

۷. تمنای پکولا از سوپهد چرچ برای تغییر رنگ چشمانش به رنگ آبی

بالاخره پکولا تصمیم می‌گیرد نزد سوپهد چرچ رفته و از او بخواهد تا چشمان آبی به او دهد:

«چه کار می‌توانم برای تو بکنم، فرزندم؟»

«چشم‌هام.»

«چشمهات چی؟»

«می‌خوام آبی بشند»

۷-۱ تحلیل فرآیندهای گذرای

پکولا به عنوان مُدرک فرآیندهای ذهنی «فکر کرد» (شناخت) و «خواست» (نیاز). نکته محوری گفتگو وجود فرآیند مادی «انجام دادن» و فرآیند ذهنی «خواستن» یعنی عمل و آرزو است. پکولا آرزوی چشمان آبی می‌کند و تصور می‌کند سوپهد چرچ می‌تواند خواسته او را انجام

دهد. اشاره به مدرسه (نهاد آموزشی) و چشمان آبی (کیفیت و مالکیت) نشان از نهادها و گفتمان‌ها است. مدرسه یکی از دستگاه‌های ایدئولوژیک دولتی است که به قول ویدن «ایدئولوژی‌هایی را تولید می‌کنند که ما در درون آن‌ها هویت‌هایی را می‌پذیریم و به سوژه تبدیل می‌شویم» (Weedon, 2004:6). چشمان آبی ترجمان گفتمان‌های حوزه بدن و معنای بدن است. هویت مبتنی بر بدن است. رژیم‌های رقیب می‌کوشند تا معنای مورد نظر خود را بر اساس جنسیت، گرایش جنسی، رنگ پوست، هنجارهای زیبایی و زشتی بر بدن تحمیل کنند (ibid. 14). پکولا نمی‌تواند به مدرسه برود چون چشمانش آبی نیستند. بدون چشمان آبی او به لحاظ نژادی نشان‌دار و نابهنجار است. پیوند مدرسه با چشمان آبی به گفته ویدن بیانگر رابطه بین سوژه آگاه و امر بصری است (ibid. 154). فرهنگ غرب زیر سلطه پارادایم بصری است و به بدن اهمیت بسیار می‌دهد (Ibid. 15). در مدرسه به پکولا آموزش داده می‌شود که او کیست، چه چیزی باید بداند، چگونه رفتار کند، چه زبانی صحبت کند و ریخت و قیافه‌اش چگونه باشد. سوژه آگاه، سوژه سخنگو و امر بصری (Ibid. 12) در مدرسه در پیوند با هم و در درون دایره قدرت قرار می‌گیرند.

۷-۲ تحلیل وجه^۴

استفاده از وجه‌نمای شناختی مانند «شاید» و «توانستن» به وسیله سوپهد چرچ و پکولا نشان می‌دهد که آنان در مورد آنچه صحبت می‌کنند مطمئن نیستند. گفتگو با این جمله پکولا «من چشمان آبی می‌خواهم» تمام می‌شود. این جمله به خاطر عنصر خودایستای بدون وجه‌نمای^۵ (جمله خبری) خود، آرزو را به صورت یک مطالبه ابدی است. این جمله یک استعاره دست‌ورزبانی است چون هم یک گزاره خبری است و هم یک خواهش. پلازا معتقد است پکولا، تنها و دیوانه، هیچ شباهتی به جین خوشحال و اجتماعی ندارد که در کتاب مقدماتی دیک و جین به تصویر درآمده بود (۱۱۹).

1 Althusser's Ideological State Apparatus

2 The knowing subject

3 The visual

4 Mood

5 Unmodalized finite

۸. کردار اجتماعی‌ زمان آبی‌ترین چشم

ساوکومعتقد است که «سیاست متن فقط در درون چارچوب سیاسی و اجتماعی گسترده‌تری قابل فهم است» (2003:111). در دهه ۱۹۴۰ دو پارادایم رقیب در مورد هویت گروه‌ها وجود داشت: مدل فرهنگی و مدل نژادی. مدل فرهنگی ملهم از نظریات بوا در مورد برابری نژادی بود و سپس نوبت به جذب فرهنگی اقلیت‌های نژادی پارک در دهه ۱۹۳۰ رسید. مدل جذب فرهنگی اقلیت‌های نژادی مورد توجه جنبش حقوق مدنی در دهه ۱۹۵۰ قرار گرفت. در مدل نژادی، نژاد سرچشمه و تأیید هویت فرهنگی است و تأکید بر مقاومت در برابر گفتمان آسیب‌شناسی سیاهان و فشار برای جذب؛ و شور و سرزندگی فرهنگ و هنر آفریقا-آمریکایی که در جنبش زیبایی‌شناسی سیاهان و جنبش قدرت سیاهان تبلور یافت (Douglas cited in Bloom:215).

جنبش قدرت سیاهان و معادل ادبی آن جنبش هنر سیاهپوستان شعار «سیاه زیباست» را ترویج دادند. در مقام فلسفه و راهبرد، شعار «سیاه زیباست» باعث جذب بخشی از جامعه سیاهپوستان شد. این شعار در مقابل شعار «سفید زیباست» عکس شد که به نظر جوردن-زکری نتیجه «روابط پایگانی قدرت» (2009:6) است. بنابراین، دو گفتمان در مورد هویت سیاهان وجود داشت: یک گفتمان معتقد بود که باید گروه‌های اقلیت در درون فرهنگ و پراکتیس‌های برتر جذب شوند؛ نتیجتاً هویت یک امر فرهنگی شد. گفتمان دیگر، اما معتقد بود نژاد منشأ هویت سیاهان است و باید هویت سیاهان از فرهنگ برتر جدا بماند. مسئله هویت مبتنی بر نژاد تبدیل به یک الزام هستی‌شناسانه شد نه یک امر اجراگرایی.^۲

جدل میان این دو دیدگاه در دهه ۱۹۶۰ زمینه بینامتنیت را برای رمان آبی‌ترین چشم فراهم نمود. این رمان حاوی بسیاری از موضوعات و مباحث مطرح در براون-بوررد آموزش در زمانه خویش است. تونی ماریسون در دوره‌ای از «تحولات تاریخی گسترده‌تر» و «موقعیت‌های تاریخی و فرهنگی مشخص» (McCabe, 2004:51) که تأثیرات عمیقی بر زندگی گروه‌های اقلیت گذاشت دست به نوشتن زد. آویلا دهه ۱۹۶۰ را مشوق «بررسی‌های تاریخی نژاد،

1. Social Practice

2. performance

۳. براون-بوررد آموزش به رأی دادگاه در ۱۹۵۴ اشاره می‌کند که به جداسازی نژادی در مدارس دولتی در آمریکا پایان

داد (Tyson, 2006:371).

تضادهای نژادی و هویت نژادی» می‌داند. در حالی که «جنبش‌های حقوق مدنی دهه قبل توجه را به میراث نابرابری نژادی در آمریکا و نیاز مبرم به ادغام فرهنگی جلب کرد؛ جنبش قدرت سیاهان بر نسخه‌های ذات‌گرایانه هویت سیاهان به عنوان راهبردی به سوی انسجام گروهی و توانمندسازی سیاسی تأکید کردند» (2008:342). بنابراین رمان *آبی‌ترین چشم* را باید در درون مجموعه‌ای از حرکت‌ها و جنبش‌های حق رأی سیاهان، قدرت سیاهان، اعتراض علیه قوانین جداسازی در جنوب (۱۹۶۱)، جنبش مدنی حقوق در واشنگتن به‌وسیله کینگ (۱۹۶۳)، تصویب متمم بیست و چهار که مالیات سرانه را حذف کرد (۱۹۶۴)، تصویب قانون حقوق مدنی (۱۹۶۴)، ناآرامی‌های واتس در لس‌آنجلس و ترور مالکم ایکس (۱۹۶۵)، رژه سلما در آلاباما به رهبری کینگ (۱۹۶۵)، ناآرامی‌های نژادی در نیوآرک، نیوجرسی و دیترویت (۱۹۶۷)، ترور کینگ و جان اف کندی در ۱۹۶۸ و قتل دو تن از رهبران برجسته حرکت جدایی‌طلبانه سیاهان توسط اف بی آی در ۱۹۶۹. مادو دابی این دیدگاه را مطرح می‌کند فضای انتقادی مناسب برای خوانش رمان *آبی‌ترین چشم* جنبش زیبایی‌شناسی سیاهان در آمریکا در دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ که در حقیقت جناح ادبی ناسیونالیسم فرهنگی سیاهپوستان محسوب می‌شود (Plasa 2000:98). به نظر اسمتurst^۲ «شاید قدرتمندترین رمان جنبش هنر سیاه‌پوستان رمان *آبی‌ترین چشم* اثر تونی ماریسون در ۱۹۷۰ است؛ رمانی که وارث آثار زنان سیاه‌پوست در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، به ویژه خیابان اثر پتری و ماود مارتا اثر بروکس شد (2010:570). استفاده از پارادایم فرهنگ یا نژاد در خوانش سوژکتیویته در رمان *آبی‌ترین چشم* منجر به خوانشی یک‌سویه خواهد شد. اما اتخاذ رویکرد گفتمان فضا را برای طرح گفتمان‌های مختلف مؤثر در برساخت سوژکتیویته و تعیین شیوه دانستن، بودن و سخن گفتن. گفتمان‌ها همزاد نهادها، سوژه‌ها، زبان‌ها و قدرت هستند.

۹. مواجهه رمان *آبی‌ترین چشم* با متون و گفتمان‌ها

پرسشی که به ذهن‌خطور می‌کند اینست که رمان *آبی‌ترین چشم* چه برخوردی با گفتمان‌های نهادهای برتر دارد: آیا آن‌ها را مشروعیت می‌بخشد یا آن‌ها را تغییر می‌دهد یا در بافت تازه قرار می‌دهد؟ تا چه میزان گفتمان‌ها در رمان تحقق پیدا می‌کند؟ هویت‌های کارگزاران اجتماعی در

¹ M. Dubey

² Smethurst

مقابل گفتمان‌ها تعریف می‌شوند؟

برای بررسی موقعیت رمان آبی‌ترین چشم در میان شبکه قدرت، گفتمان‌ها، نهاد‌های اجتماعی-سیاسی، لازم است نگاهی گذرا به بینامتنیت، بیناگفتمان^۱ و بافت‌گذاری مجدد^۲ داشته باشیم. بینامتنیت اشاره به متون پیشین است؛ بیناگفتمان حرکت گونه‌ها، سبک‌ها و گفتمان‌ها است؛ و بافت‌گذاری مجدد یعنی استفاده مجدد از یک متن یا گفتمان در بافت تازه و در سطح متفاوت (Benwell and Stokoe, 2006:107). بینامتنیت و بیناگفتمان بیانگر آن است که «متون و گفتمان‌ها همواره به گفتمان‌های دیگری که قبلاً تولید شده‌اند و یا همزمان و یا متعاقباً تولید می‌شوند ارتباط دارد» (Fairclough and Wodak, 1997:276). متون و گفتمان‌های گوناگونی در ساخت رمان آبی‌ترین چشم به کار گرفته شده‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب مقدماتی دیک و جین، ژانر بلدانگزررومان^۳، رمان مرد نامریی اثر رالف الیسن^۴ (Douglas, 2007:226)، ادبیات سفیدپوستان و فلسفه اروپایی مانند سرزمین کم‌بزرع^۵ (Fick cited in Bloom, 2007:19-20)، فیلم‌های سینمایی و ستاره‌گان سینما مانند تقلید زندگی^۶، گفتمان‌های زیبایی، آموزش، خانواده، اسباب‌بازی، اصطلاحات و عبارات مانند چشمان آبی، اصطلاحات و عبارات آفریقایی-آمریکایی، سنت‌ها و پراکتیس‌هایی مانند «بین خودمان بماند»^۷، موسیقی بلوز آفریقایی-آمریکایی، گفتمان طبیعت، استفاده از طراحی حروف و حروف چینی و طراحی صفحه و علوم اجتماعی.

بافت‌گذاری مجدد در رمان آبی‌ترین چشم زمانی اتفاق می‌افتد که کتاب مقدماتی دیک و جین در مقام متن و گفتمان از محیط آموزشی (ساخت بخشی مجدد) و سطح ملی (مقیاس دهی مجدد) برداشته شده و در بافت روایتی رمان تکوین شخصیت در درون نظم گفتمان نهاد ادبیات سیاهان (ساخت بخشی مجدد) و بافت محلی (سطح‌بندی مجدد) قرار داده می‌شود.

1 Intertextuality

2 Interdiscursivity

3 Recontextualisation

4 Bildungsroman

5 Ralph Ellison's The Invisible Man

6 The Waste Land

7 Imitation of Life

8 Quiet as it's kept.

۱۰. نتیجه گیری

در میانه تحولات تاریخی و گفتمانهای اجتماعی-فرهنگی دهه‌های ۱۹۵۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۶۰ تونی ماریسون اولین رمانش را با نام *آبی‌ترین چشم* نوشت. پژوهش حاضر به بررسی گفتمان، آرزو و دیوانگی در این رمان پرداخت. بدین منظور، از رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و دستور نقش‌گرای نظام‌مند برای بررسی زبان و گفتمان رمان در سه سطح توصیف، تبیین و تفسیر بهره گرفت. بخش‌های مهم رمان به کمک مقولات و مفاهیم دستور نقش‌گرای نظام‌مند هالیدی مورد تحلیل زبان‌شناختی قرار گرفتند. سپس یافته‌های بدست آمده در خدمت تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف قرار گرفتند. در بخش تفسیر؛ استفاده رمان‌نویس از متن‌ها و گفتمان‌های قبلی مورد بحث قرار گرفت و معلوم شد که رمان از سینما، موسیقی سیاهان، فرهنگ شفاهی، گفتمانهای زیبایی و زشت‌رویی، کتابهای آموزش و پرورش، اسباب‌بازی و... استفاده کرده است. در مرحله تبیین، رمان در درون بافت تاریخی-سیاسی-اجتماعی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی و گفتمانهای رایج آن دوره قرار گرفت و نتیجه گرفته شد که رمان در چارچوب همان گفتمان‌ها شکل گرفته است ولی رویکردی انتقادی نسبت به آن‌ها دارد. در پژوهش‌های پیشین؛ مسأله هویت در درون پارادایم‌های نژادی و یا فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است که حاصل آن فروکاستن هویت به یک بُعد بود. در رویکرد گفتمانی به سوژکتیویته رمان، برخلاف پارادایم فرهنگی/نژادی که محصول جنبش‌های اعتراضی سیاهان در ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ و به ویژه جنبش قدرت سیاهان بود، هویت امری پیچیده و چندلایه محسوب می‌شود. هویت فقط سیاست فرهنگی نیست، بلکه ترکیبی از علقه‌های شخصی، گنجینه فرهنگی، خود-موقعیت‌مندی و اعتماد به نفس است. بر اساس نظریه مانوئل کاستل در مورد سه مقوله هویت به نام مشروع‌سازی، مقاومت و طرح یک هویت نوین، می‌توان گفت که دو نوع هویت مشروع‌سازی و مقاومت در رمان قابل مشاهده است، ولی رمان طرحی نو در باب هویت تازه در نمی‌افکند. دلیل آن است که رمان در درون افق تغییر و تحولات تاریخی ۱۹۵۰، ۱۹۴۰ و ۱۹۶۰ محدود و مقید مانده است.

References

- Avila, E. (2008). *Race and Ethnicity: A Companion to American Cultural History*. Ed. Karen Halttunen MA: Blackwell Publishing.
- Beavers, H. (2018). *Geography and Political Imagination in the Novels of*

- Toni Morrison. Palgrave McMillan
- Benwell, B. & Stokoe, E. (2006). *Discourse and Identity*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Bloom, H. (2007). *Toni Morrison's The Bluest Eye*. Updated ed. New York: Bloom's Literary Criticism.
- Bloom, H. (2010). *Toni Morrison's 'The Bluest Eye'*. New York: Bloom's Literary Criticism.
- Castells, M. (2010). *The Power of Identity*. 2nd ed. West Sussex: Wiley-Blackwell.
- Clarke, S. & Garner, S. (2010). *White Identities: A Critical Sociological Approach*. New York: Pluto Press.
- Dittmar, L. (2007). "Will the Circle Be Unbroken?" The Politics of Form in *The Bluest Eye*" In Bloom, Harold. Ed. *Toni Morrison's The Bluest Eye*. Updated ed. New York: Bloom's Literary Criticism.
- Douglas, C. (2007). "What *The Bluest Eye* Knows about Them: Culture, Race, and Identity". *Toni Morrison's The Bluest Eye*. Ed. Harold Bloom. Updated Ed. New York: Bloom's Literary Criticism.
- Eaton, A. (2013). "Becoming A She Lion: Sexual Agency in Toni Morrison's *Beloved* and *A Mercy*" in Montgomery, Maxine L. *Contested Boundaries: New Critical Essays on the Fiction of Toni Morrison*, UK: Cambridge Scholars Publishing.
- Fairclough, N. (2003). *Analyzing Discourse: Textual Analysis for Social Research*. London: Routledge.
- Fairclough, N. & Wodak, R. (1997). *Critical discourse analysis, Discourse Studies: A Multidisciplinary Introduction*. Ed. T. van Dijk. London: Sage,
- Falk, W. (2004). *Rooted in Place: Family and Belonging in a Southern Black Community*. New Brunswick: Rutgers U P.
- Gee, P. J. (2008). *Social Linguistics and Literacies: Ideology in Discourses*. 3rd Ed. New York: Routledge.
- Gibson, B. D. (2007). 'Text and Counter-text in Toni Morrison's *The Bluest Eye*' *Toni Morrison's The Bluest Eye*. Ed. Harold Bloom. Updated Ed. New York: Bloom's Literary Criticism.
- Halliday, M.A.K. & Matthiessen, Ch. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3rd ed. Ed. London: Hodder Arnold.
- Jordan-Zachery, J. (2009). *Black Women, Cultural Images and Social Policy*. New York: Routledge.
- Keith, M. & Pile, S. (1993). "Introduction" *Place and the Politics of Identity*. Michael London: Routledge.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice: New Tools for Critical*

- Discourse Analysis*. New York: OUP.
- Lock, G. (1996). *Functional English Grammar*. New York: Cambridge University Press.
- McCabe, J. (2004). *Writing the Woman into Cinema*. London: Wallflower Press.
- Morrison, T. (1970). *The Bluest Eye*. New York: Plume.
- Payne, M. & Barbara, R. J. (2010). *A Dictionary of Cultural and Critical Theory*. 2nd ed. MA: Blackwell Publishing.
- Plasa, C. (2000). *Textual Politics from Slavery to Post-colonialism: Race and Identification*. London: Macmillan.
- Prince, V. S. (2005). *Burnin' Down the House: Home in African American Literature*. New York: Columbia U P.
- Saukko, P. (2003). *Doing Research in Cultural Studies*. London: Sage Publications.
- Simpson, P. (1993). *Language, Ideology and Point of View*. London: Routledge.
- Smethurst, J. (2010). *Blackness/Whiteness: A Companion to American Literature and Culture*. Ed. Paul Lauter. MA: Blackwell.
- Smith, V. (2012). *Toni Morrison: writing the moral imagination*. UK: Wiley-Blackwell.
- Soja, E. (1989). *Postmodern Geographies*, London: Verso.
- Tonkiss, F. (1998). "Analyzing Discourse" *Researching Society and Culture*. Ed. Clive Seale London: Sage publications.
- Tyson, L. (2006). *Critical Theory Today*. 2nd ed. London: Routledge.
- Youdell, D. (2006). *Impossible Bodies, Impossible Selves: Exclusions and Student Subjectivities*. The Netherlands: Springer.
- Weedon, C. (2004). *Identity and Culture*. Berkshire: Open University Press.
- Weedon, C. (1997). *Feminist Practice & Poststructuralist Theory*. 2nd ed. Oxford: Blackwell.